

مسئله‌ای که طی این پژوهش مورد ژرفکاوی قرار می‌گیرد، بررسی چیرستی تأثیرات نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری بر فرایند افول سبک زندگی اسلامی در تحولات کالبدی فضایی معاصر ایران است. بدین منظور از روشی ترکیبی (مرکب از روش مطالعات اسنادی در مقام گردآوری داده‌ها و روش تحلیل محتوای کیفی در مقاوم تحلیل داده‌ها) استفاده شده است. طبق یافته‌های این پژوهش، بسیاری از مسائل مرتبط با افول سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران نظیر ظهور قطب‌بندی و اختلاف طبقاتی در مناطق شهری، بروز معضل حاشیه‌نشینی، افزایش شدید قیمت زمین و بالتبع کوچک‌شدن قطعات تفکیک زمین، عدم امکان اجرای بسیاری از اصول معماری اسلامی نظیر درون‌گرایی و جداکردن اندرونی از بیرونی به دلیل کوچک شدن قطعات اراضی مسکونی، تضعیف کیفیت در فضاهای زیست انسانی و کمی شدن این فضاها، ترویج مصرف‌گرایی و بالتبع ظهور تغییرات کالبدی گسترده در مراکز تجاری و بسیاری از مسائل دیگر همگی ریشه در تأثیرات نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری دارند و لذا یافتن چاره این نوع مسائل و احیاء سبک زندگی اسلامی در نظام کالبدی معاصر ایران، پیش از آنکه نیازمند تجدیدنظر در سیاست‌های کالبدی و نظامات شهرسازی کشور باشد، نیازمند بازنگری عمیق و جدی در نظامات کلان اقتصادی کشور است.

■ واژگان کلیدی:

سبک زندگی اسلامی، لیبرال سرمایه‌داری، معماری و شهرسازی معاصر ایران، ساختار شهر، مسکن

## تحلیل تأثیرات اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری بر افول سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران

محمدمنان رئیسی

استادیار گروه معماری دانشگاه قم  
m.raesi@qom.ac.ir

## ۱. مقدمه

«سبک زندگی»، مفهومی است که به ابعاد مختلف زندگی انسان، اعم از فردی و اجتماعی مربوط می‌شود و همه حوزه‌های رفتاری را شامل می‌شود. (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۲۳-۲۲۴) در اسلام نیز، متناسب با عقاید و الزامات این آیین، نوع مشخصی از سبک زندگی، ارجحیت دارد که رعایت آن سبب شکل‌گیری هویت اسلامی در جوامع مسلمین و تمایز آنها از سایر فرهنگ‌ها و مکاتب می‌شود. پیشوایان دینی همواره بر حفظ این هویت مستقل و تمایز جوامع اسلامی از سایر جوامع در کلیه شئون (حتی شئون جزئی نظیر نوع لباس و یا نوع پیرایش) تأکید داشته‌اند. برای مثال امام علی<sup>(ع)</sup> در این خصوص چنین می‌فرماید: «مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشد و از غذاهای آنان استفاده نکند، همواره در خیر خواهد بود و هنگامی که چنین کند خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد».<sup>۱</sup> (برقی، ۱۳۷۱: ۴۴۰) این اهتمام، شامل کلیه شئون سبک زندگی می‌شود و ساختمان‌سازی نیز که یکی از شئون سبک زندگی است، از این مهم مستثنی نیست. لذا اسلام برای معماری و شهرسازی مسلمین، الزامات خاصی دارد که رعایت آنها، لازمه تحقق سبک زندگی اسلامی است. از جمله این الزامات، می‌توان به مواردی نظیر رعایت عدالت فضایی و عدم قطب‌بندی شهر به بخش‌های برخوردار و غیربرخوردار، عدم مزاحمت ساختمان‌ها برای همسایگان در دریافت نور و باد، حفظ حریم خصوصی به‌ویژه در ابنیه مسکونی و غیره اشاره نمود. (رئیزی، ۱۳۹۷: ۳۵۶-۳۲۰) اما در حال حاضر بسیاری از این الزامات، به‌دلیل تأثیرات حاصل از مناسبات اقتصادی معاصر و به‌طور خاص، اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری، با مشکلات و مسائل متعددی در عرصه اجرا مواجه شده است که برای اثبات این مهم، مصادیق تحلیلی متعددی در این پژوهش ارائه خواهد شد.

البته در دنیای معاصر، به جز اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری، نظامات اقتصادی دیگری نظیر اقتصاد سوسیالیسم، اقتصاد اسلامی و غیره نیز وجود دارد اما تردیدی نیست که در حال حاضر در مقایسه با سایر نظامات موجود، اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری (به‌عنوان نظام اقتصادی مورد حمایت تمدن غرب) بیشترین تأثیر بر مناسبات اقتصادی در سطح جهان را دارد و کشور ما نیز از این موضوع، مستثنی نیست. طی دهه‌های اخیر و بعد از وقوع انقلاب اسلامی، تلاش‌های فراوانی برای بازگشت نظام اقتصادی ایران به ریل اقتصاد

۱. لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَيَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ

اسلامی صورت گرفته است، اما پرواضح است که این تلاش‌ها تاکنون به نتیجه مطلوب منجر نشده و اغلب ارکان و قوانین اقتصادی کشور، همچنان به طرز غیر قابل انکاری در حال تبعیت و الگوپذیری از نمونه‌های مشابه غربی هستند؛ بررسی وضعیت بانک‌ها و بورس‌ها و غیره و قوانین حاکم بر این نهادها، به خوبی صحت این مدعا را نشان می‌دهد و لذا به نظر می‌رسد اقتصاد اسلامی در کشور ما، از گفتارها و نوشتارهای علمی و تخصصی، چندان فراتر نرفته است و در عرصه عمل، تحقق بایسته‌ای نداشته است.

البته این مسئله که چرا بعد از گذشت حدود چهار دهه از انقلاب اسلامی، هنوز مسئولین، مدیران و کارشناسان ذیربط، موفق به جاری کردن اقتصاد اسلامی در مناسبات اقتصادی کشور نشده‌اند، جای آسیب‌شناسی جدی دارد، اما محور و مسئله اصلی این مقاله، صرفاً تحلیل «چیسستی تأثیرات نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری بر افول سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران» است. برای این مهم، ابتدا در بخش چارچوب نظری، کلیاتی از مبانی نظام مذکور ارائه می‌شود و سپس در بخش بحث و تحلیل، مصادیقی از تأثیرات این نظام بر تضعیف الزامات سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران تبیین خواهد شد. مصادیق مورد مطالعه، متمرکز بر سه موضوع کلیت ساختار شهر، معماری مسکن و معماری بازار می‌باشد که دلیل انتخاب این سه مورد (به ترتیب) چنین است که اولی (ساختار شهر)، شاکله اصلی کالبدی فضایی شهر را تشکیل می‌دهد و بالتبع سایر کاربری‌های شهری کاملاً تحت تأثیر آن می‌باشند؛ دومی (مسکن) مهم‌ترین کاربری شهر (حداقل به لحاظ تعداد و کمیت در مقایسه با تعداد سایر کاربری‌ها) است و سومی (بازار)، رکن اقتصادی شهر است و بالتبع بیشترین ارتباط و تعامل با نظامات اقتصادی حاکم بر شهر را دارد.

## ۲. روش تحقیق

در این مقاله از روشی ترکیبی بهره‌گیری شده است، به این نحو که ابتدا (در مقام گردآوری داده‌ها) با استفاده از روش تحقیق اسنادی کتابخانه‌ای، ماهیت کلی لیبرال سرمایه‌داری معرفی شده است و سپس (برای تحلیل و داوری داده‌ها) ضمن بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، تأثیرات ماهوی این نظام اقتصادی بر تحولات کالبدی فضایی معماری و شهرسازی معاصر ایران با محوریت سبک زندگی اسلامی تحلیل شده است. روش تحلیل محتوا بیانگر رویکردهای تحلیل گوناگون، از رویکردهای برداشت‌گرایانه حدسی و تفسیری

گرفته تا رویکردهای نظام‌مند و دقیق است (روسنگرن<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱: ۱۹-۹) که در دو گونه اصلی شامل تحلیل محتوای کمی و کیفی دسته‌بندی می‌شود. در تحلیل محتوای کمی برای نمونه‌گیری، به داده‌هایی نیاز است که با استفاده از قواعد نمونه‌گیری تصادفی - که اعتبار استنتاج‌های آماری را تضمین می‌کنند - انتخاب می‌شوند؛ در حالی که نمونه در تحلیل محتوای کیفی، معمولاً در بردارنده انتخاب هدفمند مواردی است که بازتاب‌دهنده پرسش‌های پژوهش هستند (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۱۵ و ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۱)؛ با توجه به توضیح فوق، از آنجایی که در این مقاله از روش تحلیل محتوای کیفی (و نه کمی) استفاده شده است، انتخاب نمونه‌های مورد استناد در این پژوهش (اعم از فضاهای شهری و بناها و مصادیق مورد مطالعه) مبتنی بر انتخاب‌های هدفمند است که از قواعد پژوهش‌های آماری و کمی پیروی نمی‌کند.

### ۳. چارچوب نظری

کاپیتالیسم (معادل لاتین سرمایه‌داری) مأخوذ از واژه «کاپیتال» است که برگرفته از ریشه لاتینی کاپیتالیوم است. پیشوند «caput» در لغت به معنای «سر» و در زبان اقتصاد به معنای «سرمایه» به کار می‌رود. مبانی نظام لیبرال سرمایه‌داری به کلی متأثر از فردگرایی و منافع فرد (در تقابل با جمع‌گرایی و منافع جمع) است. این موضوع در دو اصل مهم اصالت فرد و آزادی فرد تجلی یافته است. به این معنی که طبق این نظام اقتصادی، اجتماع، فاقد وجود حقیقی است و تنها از وجود اعتباری برخوردار است. (واعظی، ۱۳۸۴) در نظام سرمایه‌داری، فردگرایی دارای دو ویژگی اصلی است: مالکیت شخصی سرمایه که امکان انتقال و انباشت نامحدود سرمایه را می‌دهد و همچنین رقابت و به اصطلاح، چشم و هم‌چشمی بین افراد در کسب ثروت و تنازع بقایی که در آن، نهایتاً اصلح باقی می‌ماند. به این ترتیب، کنترل‌گرهای فراشخصی نظیر دولت نقش‌چندانی در اجرای عدالت در جامعه ندارند و بازار آزاد، بهترین گزینه برای اجرای عدالت است. (داداش‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۸) بر همین اساس است که جان رالز<sup>۲</sup> در نظریه عدالت اجتماعی خود، بر دو اصل آزادی و تفاوت بین انسان‌ها تأکید می‌نماید. (رالز، ۱۹۷۱)

لذا طبق مبانی این نظام، اصل، تکیه بر مالکیت خصوصی و آزادی مطلق فرد است

1. Rosengren  
2. Rawls

جز آن که در مواردی نادر، دولت‌ها ناچار شوند برخلاف این مینا، برخی از سرمایه‌ها را عمومی اعلام نمایند. این مینا باعث رشد بی‌رویه امپراطوران بزرگ اقتصادی گردیده که بدون هیچ محدودیتی با حمایت دولت‌های خود به غارت سرمایه‌های ملت‌های ضعیف‌تر پرداخته‌اند. در کاپیتالیسم، دولت حق مداخله در فعالیت‌های سرمایه‌داران و محدودسازی آنان را ندارد و اساساً دولت در جهت منافع آنان سیاست‌گذاری می‌کند. به این ترتیب، اصولاً نظام لیبرال سرمایه‌داری، به‌خاطر ساختارهای شکلی و محتوایی خود و با سیستم «رقابتی تنازع بقایی» جز این نیست که نابرابری‌های بزرگی در میزان درآمد و ثروت در شهرها ایجاد کند. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین راهبردهای اقتصادی در سبک زندگی اسلامی، مقابله با این نوع نابرابری و جلوگیری از تشدید اختلاف طبقاتی است: «آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر و متعلق به خویشاوندان نزدیک و یتیمان و بینویان و درراه ماندگان است، تا میان ثروتمندان شما دست‌به‌دست نگردد و آنچه را پیامبر به شما داد، آن را بگیری و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید و از خدا پروا نمایید که خدا سخت کیفر است»<sup>۱</sup>. (سوره حشر، آیه ۷)

آیت‌الله جوادی‌آملی با استفاده از قاعده تنقیح مناط<sup>۲</sup>، اصلی اساسی برای اقتصاد اسلامی از این آیه برداشت کرده است که عبارت است از نفی فاصله طبقاتی؛ یعنی اموال و ثروت‌های نظام اسلامی در اختیار گروه خاصی نیست و تداول ثروت و دور زدن آن باید در دست همه مردم باشد. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴) به‌باور ایشان قرآن کریم مال را به‌منزله خون در پیکر جامعه می‌داند که باید در همه رگ‌های جامعه، جریان داشته باشد. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۲۱)

اما در تقابل آشکار با آموزه‌های اسلامی، کارایی نظام لیبرال سرمایه‌داری از یافتن فرصت‌هایی سرچشمه می‌گیرد که یابندگان آن می‌توانند اصطلاحاً پول‌های کلانی را به جیب بزنند و البته به‌دلیل سازوکار تعریف‌شده در این نظام اقتصادی، معمولاً این فرصت‌ها را ثروتمندان می‌یابند زیرا در بازار آزاد سرمایه‌داری، ثروت، قدرت می‌آورد و

۱. ما أَفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَاللرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۲. تنقیح مناط یعنی منقح کردن و پاک کردن ملاک و علت حکم و سپس تعمیم آن که از شیوه‌های استنباط حکم است.

موجب می‌شود که دیگران را از رقابت در بازار، بیرون براند و درآمدهایشان را از آنان بگیرد و فرصت‌های کسب درآمدهایشان را قبضه نماید. به این ترتیب، ثروت انبوه دائماً در مسیری تصاعدی فرصت‌های بیشتری را برای افراد ثروتمندتر فراهم می‌آورد. (امان‌پور و سجادیان، ۱۳۹۶: ۱۰۴) بر همین اساس، سرمایه‌داری برای بقا و رشد خود، به تولید هرچه بیشتر دست می‌زند که لازمه این امر، ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی است و به همین دلیل است که توسعه‌های سرمایه‌دارانه اغلب جنس سوداگری و کاسب‌کارانه دارند. (ایمانی شاملو و رفیعیان، ۱۳۹۵: ۲۹۷) با توجه به توضیحات فوق، بی‌تردید الگوی مصرف در نظام لیبرال سرمایه‌داری با مکتب اسلام تفاوت بسیار دارد. در سبک زندگی اسلامی، مصرف به‌منظور رفع نیازهای اساسی و به‌جا توصیه شده است و متون روایی متعددی مبنی بر ذم مصرف‌گرایی و مدح قناعت نقل شده است تا جایی که در کلام امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، از قناعت به «گنج تمام‌ناشدنی» تعبیر شده است.<sup>۱</sup> (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۷)

به‌دلیل تأثیرپذیری مشهود ایران معاصر از تمدن معاصر غرب (به‌ویژه در دوره‌های قاجار و پهلوی)، می‌توان رد پای نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری را (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مولودهای تمدن معاصر غرب) در تحولات اقتصادی کشور به‌وضوح مشاهده نمود. البته همانند بسیاری از الگوپردازی‌های دیگر از تمدن غرب، الگوی اقتصادی غرب نیز به‌صورت تمام و کمال در ایران اجرا نشده است و طی رویکردی التقاطی، ملغمه‌ای از مبانی اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاد سوسیالیستی و اقتصاد اسلامی را می‌توان در مناسبات اقتصادی کشور، مشاهده نمود اما به‌نظر می‌رسد در این بین، آنچه وجه غالب را دارد، مبانی نظام سرمایه‌داری است که به‌صورت رونوشتی ناقص از اقتصاد سرمایه‌داری، در قالب اقتصادی تک‌محور و وابسته به نفت، بروز یافته است. اقتصادی که هیچ جنبه درون‌زایی نداشته و عمدتاً بخشی از یک شبکه نیاز امپریالیستی بوده است که اغلب، تنها به تأمین مواد اولیه آنها پرداخته است. نتیجه چنین رویکردی، تضعیف جنبه تولیدی و ترویج روزافزون فعالیت‌های سوداگرانه و دلالانه در نظام اقتصادی کشور بوده است که از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به فعالیت‌های سوداگرانه نظیر بورس‌بازی و دلالی در مواردی همچون زمین و طلا و دلار و غیره اشاره نمود. البته در این بین و به‌فراخور موضوع این مقاله، آنچه که حائر اهمیت بیشتر است، سوداگری و بورس‌بازی زمین است. به‌دلیل تأثیرات نظام سرمایه‌داری، زمین به مجرای برای جریان سرمایه تبدیل

۱ الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ

می‌شود و به‌نوعی، سرمایه ثابت را به‌وجود می‌آورد. بنابراین قیمت زمین و ساختمان به‌شدت از ساختار اقتصادی سرمایه‌داری تأثیر می‌پذیرد. (امان‌پور و سجادیان، ۱۳۹۶: ۱۱۳) به این ترتیب، زمین که تا قبل از ظهور لیبرال سرمایه‌داری، کالایی مصرفی برای مصرف واقعی خانوارها و صنایع و غیره بود، به کالایی سرمایه‌ای بدل می‌شود که این موضوع را در تاریخ معاصر ایران، می‌توان از اواسط دوره قاجار (یعنی همزمان با شدت گرفتن تأثیرپذیری ایران از الگوهای فرهنگی و اقتصادی غرب) به‌تدریج ملاحظه نمود. در ایران معاصر، بورس بازی زمین برای اولین بار با تصویب قانون حق مالکیت زمین در جریان مشروطه آغاز شد. اما به‌تدریج طی دهه‌های بعد، تشدید شد و اقتصادی بیمار متأثر از چرخش سرمایه و جامعه خدماتی به وجود آورد. ضمن آنکه طی دهه‌های بعد، سیاست‌هایی نظیر اصلاحات ارضی نیز به تشدید آن دامن زد. زیرا جریان اصلاحات ارضی که با نیت جنگ با کمونیسم و سوسیالیسم (به‌عنوان رقیب بین‌المللی لیبرال سرمایه‌داری) توسط ترومن به ایران تحمیل شده بود، تولیدات کشاورزی را به حداقل رساند و جوامعی را که زمانی با وجود غیرزاینده‌بودن اقتصاد، خودکفایی داشتند، کاملاً از بین برد که نتیجه این امر، تشدید فعالیت‌های سوداگرانه و مواردی همچون بورس‌بازی زمین شد. به‌ویژه آنکه از مهم‌ترین مبانی نظام لیبرال سرمایه‌داری، اصالت فرد و آزادی او در هر نوع فعالیت اقتصادی جهت کسب سود بیشتر است که نقش این تلقی از فعالیت اقتصادی را نمی‌توان در تشدید روزافزون این بورس‌بازی و دلالتی، انکار نمود. البته در غرب، برای مقابله با این مشکل، مالیات‌های سنگینی بر فعالیت‌های غیرتولیدی و دلالت‌ها وضع می‌شود تا فعالیت‌های اقتصادی را به‌سمت تولید بیشتر، سوق دهند و لذا مواردی همچون خرید و فروش زمین و ملک و آپارتمان (اگر برای چندمین بار و با نیت سوداگرانه باشد) با مالیات‌های سنگینی مواجه می‌شود. اما همان‌طور که اشاره شد، نسخه‌ای که از لیبرال سرمایه‌داری وارد ایران شده است، نسخه‌ای التقاطی از این نظام است که اثرات سوء آن را دوچندان کرده است که از مهم‌ترین این آثار، همین بورس‌بازی و سوداگری مضاعف در حوزه مستغلات و زمین است.

پس تا اینجا مشخص شد که اولاً آنچه که بیش از سایر نظامات اقتصادی، مناسبات اقتصادی معاصر ایران را تحت‌الشعاع قرار داده است، نظام لیبرال سرمایه‌داری بوده است، ثانیاً از مهم‌ترین مبانی این نظام (که در تقابل با الزامات سبک زندگی اسلامی است) اصالت فرد در برابر جامعه و آزادی او در انباشت و انتقال نامحدود سرمایه برای کسب

سود بیشتر است، ثالثاً این نظام در کشور ما با رویکردی التقاطی اجرا شد که سبب تشدید آثار سوء آن گردید که از جمله این آثار می‌توان به تشدید فعالیت‌های سوداگرانه نظیر دلالی و بورس‌بازی زمین اشاره نمود. در ادامه به تأثیرات حاصل از این نظام اقتصادی بر افول سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران پرداخته می‌شود تا مشخص شود که بخش قابل توجهی از معضلات معماری و شهرسازی معاصر ایران، ریشه در نظام مذکور دارد.

#### ۴. بحث و تحلیل

##### ۴.۱. تأثیرات لیبرال سرمایه‌داری بر ساختار شهر

یکی از مهم‌ترین تأثیرات نظام لیبرال سرمایه‌داری بر شهر، افزایش اختلاف درآمد بین قشر غنی و فقیر در شهر است که این امر، آشکارا در تقابل با سبک زندگی اسلامی قرار دارد. اگرچه سرمایه‌داری می‌تواند باعث رشد بالای اقتصادی گردد، اما به دلیل آزادی سرمایه‌گذار در انباشت و انتقال نامحدود سرمایه برای کسب سود بیشتر، اختلاف طبقاتی به شدت در شهرها افزایش یافت. با ظهور نظام سرمایه‌داری، درآمدهای نابرابر در اکثر کشورها تشدید شد و تمامی کشورهایی که خود را با توافقنامه واشنگتن هماهنگ کردند دچار تغییرات فضایی گسترده‌ای شدند که در این خصوص می‌توان مکزیک، آسیای شرقی، برزیل، روسیه، آرژانتین و ترکیه را نام برد. (رادریک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۱) چنین فرایندی را در بسیاری از کشورهای دیگر نیز می‌توان مشاهده نمود. در بریتانیا تأثیرات اقتصادی این نظام منجر به این شد که درآمد ۱۰٪ مردم ثروتمند شهری حدود ۱۴ برابر ۱۰٪ مردم فقیر گردد که این اختلاف درآمد در بسیاری از موارد منجر به شکست پروژه‌های شهرسازی شده است. (حاتمی‌نژاد و ملایی، ۱۳۹۲: ۲۱)

جغرافی‌دانان و شهرسازان لیبرال، معتقد به پوزیتیویسم منطقی و روش‌های کمی (در مقابل روش‌های کیفی) بودند. نتیجه این تحقیقات کمی، تبیین این نکته بود که شهر، بخشی از یک سازمان مطلوب اقتصادی شناخته شود و این فکر تثبیت گردد که در نظام اقتصادی، افراد و تصمیم‌گیرندگان سعی دارند محل کارخانه‌ها، اداره واحدهای مسکونی، مدارس و پارک‌ها را با توجه به امتیازات اقتصادی تعیین کنند. اما در عمل، منطقه‌بندی به نفع عده کمی از شهروندان تمام می‌شود و در چنین عملکردی، منطقه‌بندی

1. Rodrik



داخلی شهرها تنها در خدمت کسانی قرار می‌گیرد که بر سیاست منطقه‌بندی، قدرت نفوذ بیشتری اعمال می‌کنند. (شکویی، ۱۳۷۳: ۲۵۰-۲۴۹) لذا در این دیدگاه در مقام عمل، واقعیت‌های روزانه شهری فراموش می‌شود و همه مسائل انسان شهری در داخل روش‌های کمی پوزیتیویستی پنهان می‌شود و به این ترتیب، این مکتب با «جبرهندسی»، اغلب مردم را از رسیدن به حقوقشان باز می‌دارد. (شکویی، ۱۳۷۳: ۵۷-۵۶)

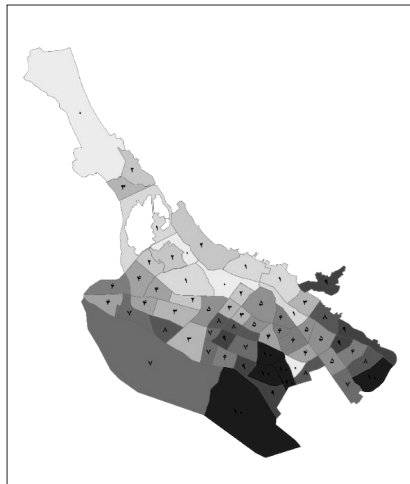
از مهم‌ترین تأثیرات نظام لیبرال سرمایه‌داری بر بافت‌های شهری، تقسیم شهر به دو قطب فقیرنشین و ثروتمندنشین است؛ چیزی که هاروی<sup>۱</sup> از آن به‌عنوان شهرهای تقسیم شده یاد می‌کند. (هاروی، ۲۰۰۷: ۱) به‌دنبال تأثیرات این نظام و تمرکز بر سیاست‌هایی نظیر دفاع از آزادی فردی، بازار آزاد و خصوصی کردن به‌عنوان جانشین سیاست‌های جمع‌گرایی و حمایت بخش عمومی، فضای شهری به میدان رقابت گروه‌های مختلف تبدیل شد و گروه‌های کم‌درآمد شهری و بخش پایین جامعه به حاشیه رانده شدند. (حاتمی‌نژاد و ملایی، ۱۳۹۲: ۲۲) بر این اساس، بسیاری از جرم‌ها و جنایت‌ها در شهرها که به‌دنبال اختلافات طبقاتی ایجاد شده بود، رشد کرد. به‌نحوی که در شهرهایی چون لندن، نیویورک، شیکاگو، دتروید، لس‌آنجلس، بوستون و غیره، محیط ناامن شهری مردم را قبل از غروب آفتاب به خانه‌هایشان می‌کشاند. چنانکه مردم شهرهای بزرگ آمریکا و اروپا را در تشویش دائمی فرو می‌برد و مفهومی از شهر ترس را ایجاد کرده بود. (شکویی، ۱۳۸۲) «اپل یارد» و «جیکوبس» در این خصوص چنین می‌گویند: «شهرها خصوصی شده‌اند بعضاً به این دلیل که تأکید جامعه بر فرد و بخش خصوصی است، بزهکاری در خیابان‌ها از یک‌طرف علت و از طرف دیگر معلول این روند است که شکل جدیدی را برای شهر به‌وجود آورده است؛ جزایری بسته و محفوظ با نماهای خالی و بدون پنجره، محصور با زمین‌های تلف‌شده پارکینگ و ترافیک سریع. با کاهش حمل و نقل عمومی، اماکنی که گروه‌های اجتماعی مختلف بتوانند با یکدیگر ملاقات داشته باشند به‌تدریج رو به زوال گذاشته است... ترس باعث شده که گروه‌های اجتماعی از یکدیگر گریزان شده و به حلقه‌های اجتماعی یکدست روی بیاورند؛ برای بسیاری از مردم این فضاها بیگانه است». (بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۵۷)

لذا اعتقاد و پای‌فشاری شهرسازان لیبرال بر پوزیتیویسم منطقی و روش‌های کمی و نادیده گرفتن کیفیت‌های شهری، سبب بروز مسائل مختلفی در ساختار شهر گردید که

1. Harvy

همان‌طور که اشاره شد، از مهم‌ترین آنها مشکلات زیست محیطی، منطقه‌بندی نامتوازن شهری، قطب‌بندی شهر، ظهور مناطق حاشیه‌نشین، افزایش ناامنی و غیره بود. امروزه این مسائل را در بسیاری از شهرهای معاصر ایران و به‌ویژه کلانشهرها می‌توان مشاهده نمود. برای مثال، تصویر ۱ حاصل پژوهشی است که طی سال‌های اخیر توسط نگارنده و همکارانش در خصوص وضعیت بر خورداری مناطق و نواحی کلانشهر شیراز از امکانات و تسهیلات شهری انجام شده است. در این تصویر، رنگ‌های روشن‌تر به معنای برخورداری و رفاه بیشتر و رنگ‌های تیره‌تر به معنای عدم برخورداری و فقر بیشتر است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نواحی و مناطق تیره‌تر به طرز معناداری در بخش جنوبی شهر متمرکز شده‌اند و هرچه به سمت شمال شهر حرکت می‌کنیم، از تیرگی رنگ‌ها کاسته شده و بر رفاه و برخورداری نواحی افزوده می‌شود. این دقیقاً همان چیزی است که از آن به منطقه‌بندی نامتوازن شهری و قطب‌بندی شهر تعبیر می‌شود. البته این نوع قطب‌بندی و توسعه نامتوازن، مختص به شهر شیراز نیست و اگر در خصوص سایر کلانشهرهای معاصر ایران نیز تحقیق مشابهی انجام شود، نتایج کمابیش مشابهی به دست خواهد آمد که این امر از نتایج رویکرد و روش‌های کمی شهرسازان لیبرال و نادیده گرفتن کیفیت‌های شهری است.

۸۲



تصویر ۱: توسعه نامتوازن و قطب‌بندی کلانشهر شیراز؛ رنگ‌های تیره‌تر به معنای محرومیت و عدم برخورداری هر چه بیشتر است. (رئیس‌ی و رئیس‌ی، ۱۳۹۴: ۱۳۷)

اما تأکید بر کمیت و تقلیل کیفیت فضاها به کمیت‌ها و کارکردها که دامن‌گیر عناصر مختلفی در ساختار شهر (اعم از خانه و خیابان و میدان و...) شده بود، در معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی که کاملاً با موضوع کیفیت عجین بود، دوچندان احساس شد. به دنبال این تأثیرات، در دوره‌های قاجار و پهلوی اول، به تدریج، خیابان‌هایی ساخته شد که خیال خیابان‌های غربی را در سر می‌پروردند ولی در عین حال، هنوز پیوندشان با کیفیت خیابان ایرانی، یعنی جایی برای حضور همزمان و کیفی آب و درخت و انسان، قطع نشده بود (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۴۲) که خیابان‌های نادری، عین‌الدوله و باب همایون از این جمله بود. (تصویر ۲)



تصویر ۲: خیابان باب همایون یا ارک در دوره پهلوی، نمونه‌ای از خیابان باکیفیت ایرانی و جایی برای حضور همزمان و کیفی انسان، آب و درخت (پایگاه موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)

اما پس از دهه چهل شمسی، دیگر خیابان با چنین مفهوم کیفی ساخته نشد و همه خیابان‌ها به پدیداری کمی تبدیل شدند که تنها، جاده و معبری برای رساندن ما از جایی به جای دیگر هستند. شاهدش وفور خیابان‌ها با نام‌های سی متری، دوازده متری، بیست متری و... است که گویای نگاهی کمی به خیابان بود. از این زمان، عرصه بر اتوبان و آزادراه و بزرگراه یعنی عناصری کاملاً کمی و کارکردی گشوده شد. اگر در دوره رضاشاه یا به اصطلاح مدرنیسم، در میدان‌ها هنوز کیفیت موضوعیت داشت، از دهه چهل به بعد بود که مفهوم میدان به «فلکه» یعنی کارکردی‌ترین شکل ممکن تغییر یافت و همان طور که اشاره شد، نقش تأثیرات لیبرال سرمایه‌داری و نگاه پوزیتیویستی آن، در سیطره

این کمیت بر کیفیت، انکارناپذیر است. لذا به دنبال این تأثیرات، آنچه امروز به عنوان خیابان و میدان و خانه و غیره در ساختار شهر می‌شناسیم، دیگر نه مفاهیمی کیفی بلکه پدیدارهایی صرفاً کمی هستند. (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۴۲) مقایسه تطبیقی وضعیت میادین مختلف نظیر میدان توپخانه در دوره‌های قاجار و معاصر، تأییدی است بر سیر تطور تدریجی فضا از فضای کیفی با محوریت حضور انسان به فضای کمی با محوریت حضور اتومبیل (تصاویر ۳ و ۴)



تصاویر ۳ و ۴: مقایسه تطبیقی وضعیت میدان توپخانه در دوره قاجار (عصر مشروطه) و دوره معاصر؛ تغییر ماهوی میدان از فضای کیفی و انسان‌محور به فضای کمی و اتومبیل‌محور (منبع تصاویر: <https://www.arel.ir> و <http://www.iichs.ir>)

#### ۴.۲. تأثیرات لیبرال سرمایه‌داری بر معماری مسکن

به دنبال ظهور لیبرال سرمایه‌داری، مسکن برای کم‌درآمدها به دلیل سیاست‌های سرمایه‌داران بخش خصوصی به شدت کاهش یافت. در نتیجه زمین گران شد و هزینه خرید مسکن بالا رفت؛ به طور خلاصه اقداماتی که از یک ایدئولوژی به ظاهر آزادمنشانه نشئت می‌گرفت، به زیان گروه درآمدی آسیب‌پذیر و به نفع گروه درآمدی بالاتر گردید.

(حاتمی‌نژاد و ملائی، ۱۳۹۲: ۲۱) توضیح آنکه سرمایه‌داران بخش خصوصی، برای کسب سود بیشتر و افزایش ثروت خود، اقدام به راه‌اندازی صنایع مختلف در مناطق شهری نمودند که لازمه فعالیت بهینه این صنایع، نیروی کار ارزان بود. در نتیجه بخش قابل توجهی از جمعیت مناطق روستایی و غیر شهری که قبلاً به دلایل مختلف با فقر نسبی مواجه شده بودند، برای تأمین نیروی انسانی این صنایع به مناطق شهری مهاجرت کردند که این امر سبب شد در فاصله زمانی کوتاهی، نسبت عرضه و تقاضای مسکن، تعادل خود را از دست دهد. این امر از یک سو به افزایش قیمت زمین و مسکن منجر شد و از سوی دیگر، سبب شد کارگران و اقشار ضعیفی که برای کار در صنایع و یا خدمات وابسته به آن، به شهرها مهاجرت کرده بودند، به دلیل عدم توانایی مالی برای تأمین مسکن مطلوب و باکیفیت در مناطق شهری، به حاشیه‌نشینی و مسکن حداقلی روی آورند. به این ترتیب، سیاست‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری سبب شد به تدریج، خانه‌های باکیفیت جای خود را به خانه‌های حداقلی (لااقل برای اقشار متوسط و ضعیف جامعه که بخش اعظم جامعه بودند) بدهد. این معضل در کشور ایران با سرعت بیشتری رخ داد. زیرا سیاست اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم سبب تسریع در افزایش نرخ بیکاری روستائیان شد که این موضوع، به نرخ مهاجرت آنها به شهرها برای یافتن کار در صنایع و خدمات وابسته، دامن زد. بدیهی است که این افزایش مهاجرت، در یک بازه زمانی کوتاه، مسکن را در مناطق شهری با کمبود مواجه می‌سازد و بالتبع، به افزایش شدید قیمت زمین و مسکن، منجر می‌شود؛ برای مثال، طبق آمار و ارقام موجود، فقط بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴، مسکن کارگران (یعنی همان افرادی که بخش قابل توجهی از آنها برای کار از روستا به شهرها مهاجرت کردند)، حداقل ۴۰٪ افزایش قیمت داشته است. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۳۱) تعمق بر تغییرات نرخ رشد جمعیت مناطق شهری و روستایی در سال‌های اصلاحات ارضی، شواهد مهمی را در این خصوص به دست می‌دهد. بین سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷ (یعنی همان سال‌هایی که نظام تولیدی و اقتصادی کشور کاملاً متأثر از سیاست اصلاحات ارضی بود)، کل جمعیت کشور با میانگین نرخ رشد سالانه ۲/۹ درصد، از ۲۳ به ۳۵ میلیون نفر رسید، لکن میانگین نرخ رشد سالانه جمعیت روستایی به مقدار نسبتاً کم ۱/۲ درصد و در بخش شهری به مقدار مطلقاً بالای ۴/۶ بود. اختلاف ۳/۴ درصد تقریباً به‌طور کامل به دلیل میزان بالای مهاجرت روستائیان به شهرهاست که پیامد رکود کشاورزی و انزوای اجتماعی جامعه روستایی بود. در سال ۱۳۴۲ جمعیت روستایی ۶۵٪ کل جمعیت را

تشکیل می‌داد، اما در سال ۱۳۵۷ این رقم به ۵۳٪ کاهش یافته بود و عجیب آنکه شاه مدعی شده بود تا سال ۱۳۵۹، جمعیت روستایی را به دو میلیون نفر کاهش خواهد داد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۰۴)

نتیجه بدیهی چنین شرایطی، تغییر شدید جمعیت شهری و روستایی کشور و هجوم جمعیت از مناطق روستایی به مناطق شهری بود که سبب به هم خوردن نسبت عرضه و تقاضا و کمبود شدید مسکن در مناطق شهری و بالتبع، فدا شدن کیفیت به پای کمیت در حوزه مسکن بود. لذا مسکن ایرانی که تا قبل از آن، بیشتر با مؤلفه‌های کیفی خود شناخته می‌شد با چنان بحرانی به لحاظ کمیت مواجه گردید که پرداختن به کیفیت‌های فضایی در آن به کلی به فراموشی سپرده شد. به همین دلیل است که از اواسط دوره پهلوی دوم، به تدریج شاهد حذف عناصری هستیم که از عوامل مهم کیفی در خانه ایرانی و بستر شکل‌گیری خاطرات کاربران خانه بودند. حیاط دیگر آن حیاط میانی نبود و فضاهای خدماتی با فضای خانه تلفیق شد. حوض یا حذف شد یا در شرایط خاص (برای اقلیت مرفه) جای خود را به استخر داد و ایوان به تراس تبدیل شد. معنی باغچه و درخت به چمن و گل کاری تغییر کرد. حیاط نیز معنی پارکینگ به خود گرفت. گرچه وضعیت مذکور در سال‌های اخیر، بغرنج‌تر شد و از همان خانه‌های به‌اصلاح ویلایی نیز محروم شده‌ایم و ساکن آپارتمان‌ها شده‌ایم. ما این عناصر را از خانه‌های مان حذف کردیم، به این دلیل که فراموش کردیم (یا در واقع، مجبور شدیم که فراموش کنیم) که اینها چه کیفیاتی را به خانه‌های مان هدیه می‌کرد؛ خانه که فضایی کیفی و محل آرامش بود به سرپناه که مکانی کمی و محل آسایش است تقلیل یافت و برخلاف خانه که در آن، مسئله اصلی، کیفیات است، در سرپناه، کمیات مسئله اصلی است. (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۴۱-۲۴۰)

زمزمه‌های جایگزینی سرپناه‌های کمی به جای خانه‌های کیفی از سوی معماران ایرانی را در شماره‌های اولیه نشریه آرشیوتکت در اواسط دهه ۲۰ شمسی می‌توان مشاهده نمود. اژدری (معمار و شهرساز) در مقاله‌ای با عنوان «مسئله تهیه مسکن در تهران و شهرستان‌ها» که در شماره‌های اول و دوم این نشریه منتشر شد، چنین بیان می‌دارد: «در کشورهای اروپا، خانه احتیاج به حیاط ندارد، حوض لازم ندارد چون که زندگی در خانه بیشتر در اتاق می‌گذرد... بنابراین راه‌حلی که آنها برای مسکن دادن اشخاص پیدا کرده‌اند از هر حیث، «مقرون به صرفه‌تر» است. به این معنی که از ساختمان‌های بزرگ دارای چندین طبقه و هر طبقه دارای چندین آپارتمان و یا اتاق‌های متعدد استفاده می‌شود». (اژدری، ۱۳۲۵:

۵۲) همان‌طور که مشاهده می‌شود، اژدری در این مقاله به‌وضوح بر واژه «مقرون به‌صرفه» تصریح و تأکید دارد و به‌دلیل همین اقتصادی بودن، سرپناه جدید و کمیت‌محور را بر خانه سنتی و کیفیت محور، ترجیح می‌دهد. او در این مقاله، برخی از مصادیق «مقرون به‌صرفه‌تر بودن» را چنین شرح می‌دهد: «ممکن است یک قسمت از احتیاجات ساختمان از قبیل مستراح و حمام و آشپزخانه و غیره را بین چند خانواده مشترک پیش‌بینی نمود، برای چندین دستگاه که به این‌نحو ساخته می‌شود ممکن است باغچه‌ای برای هواخوری اشخاص و اطفال پیش‌بینی نمود که مخارج آن نسبت به خانه‌های با حیاط مجزا کمتر است». (اژدری، ۱۳۲۵: ۵۲) اژدری در انتهای این مقاله، بر ارجحیت کمیت بر کیفیت با محوریت نظام سرمایه‌داری چنین تصریح می‌نماید: «اینجانب نظر سرمایه‌دارن کشور را به این موضوع جلب می‌کنم که با اجرای چنین برنامه‌ای علاوه بر آنکه خدمت بزرگی به مردم بی‌خانمان ایران خواهند کرد از سرمایه خود نیز استفاده مشروع و مطمئنی خواهند برد». (اژدری، ۱۳۲۵: ۵۲) توجه به این مقاله از آنجایی حائز اهمیت مضاعف است که زمان انتشار آن، تقریباً هم‌زمان با دوره‌ای است که به‌دلیل سیاست‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری، دگرگونی در روند جابه‌جایی جمعیت‌های شهری و روستایی ایران و به‌هم خوردن نسبت عرضه و تقاضای مسکن در مناطق شهری، در حال رخ دادن است. پس مشخص شد که به‌دنبال نتایج و الزامات نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری و به‌ویژه اصلاحات اراضی در دوره پهلوی دوم، روند جابه‌جایی جمعیت‌های شهری و روستایی تشدید شد؛ چیزی که سبب شد موضوع «اهلیت» و «بستگی به مکان» از اعتبار ساقط شود و سودای زندگی بهتر در مکانی دیگر، همه را دچار سردرگمی کند. به‌علاوه، افزایش درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت در این زمان، به حکومت اجازه دخالت در مناسبات پیچیده و باسابقه تولیدی و زراعی در ایران را داد. اصلاحات ارضی سفره روستاییان را خالی کرده بود و ادامه زندگی در روستا ناممکن شده بود. تنزل زندگی در روستا سبب شد روستائیان مستأصل و نیازمند برای رفع نیاز به شهرها هجوم آوردند (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۴۱) و این چنین شد که کمبود عرضه مسکن در مقایسه با تقاضای آن، به ذبح کیفیت خانه به پای کمیت آن منجر شد.

در خصوص کمی شدن خانه معاصر، شواهد مختلفی را می‌توان ارائه نمود. برای مثال در گذشته، فضاهای اصلی خانه دور حیاط مرکزی اسم‌هایی داشت که بیشتر بر کیفیت‌شان دلالت می‌کرد تا بر عملکردشان. تالار، سه‌دری، پنج‌دری، شاه‌نشین، ایوان، بهارخواب،

سرداب و غیره. این نام‌ها بیشتر به حال و هوای فضا اشاره داشت تا به کارکردهای فضا؛ از میان این فضاها شاید تنها مطبخ باشد که بر عملکرد طبخ اشاره داشت. اما پس از دهه چهل و بروز نتایج نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری و به‌ویژه اصلاحات اراضی، کمیت جایگزین کیفیت شد، به‌نحوی که اکنون، فضاهای خانه را با نام‌هایی چون پذیرایی و ناهارخوری و خواب و آشپزخانه و غیره می‌شناسیم؛ برای معرفی یک خانه باید متراژ آن و تعداد اتاق‌های خواب و بهای هر مترمربع آن را بگوییم. حیاط دیگر نه حیاط میانی و هدیه‌کننده صفا به خانه و نه حتی حیاط اختصاصی و فضای سبز خانه ویلایی که اصلاً به معنی ۴۰٪ باقی مانده از زمینی بود که اکنون فقط در ۶۰٪ آن اجازه ساخت داشتیم. (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۴۲)

لذا قاعده ۶۰-۴۰ که از مهم‌ترین قواعد ساخت مسکن در دوره معاصر می‌باشد، نتیجه کمی و عددی شدن مسکن و از دست رفتن کیفیات فضایی آن است که این امر نیز همان‌طور که اشاره شد، از نتایج تغییر شدید روند جابه‌جایی جمعیت‌های شهری و روستایی و به‌هم خوردن نسبت عرضه و تقاضای مسکن در مناطق شهری بوده است. نتیجه تأثیرات و تحولات فوق‌الذکر این شده است که در حال حاضر در معماری معاصر ایران با پدیداری به‌نام خانه‌های ردیفی و برون‌گرا مواجه شده‌ایم که هیچ ارتباطی با ریشه‌های تاریخی الگوی مسکن اسلامی ایرانی ندارد. توضیح آنکه پدیده خانه‌های ردیفی و برون‌گرا که به دلیل تضعیف حریم خانه و کاربران خانه، در تقابل آشکار با الزامات سبک زندگی اسلامی قرار دارد، دقیقاً با قانونی که در نظام شهرسازی معاصر ایران از آن به «قاعده ۶۰-۴۰» تعبیر می‌شود مرتبط است و لذا لازمه فهم صحیح از علت تبدیل الگوهای درون‌گرا به برون‌گرا در مسکن معاصر ایرانی، آگاهی لازم در خصوص فرایند شکل‌گیری قاعده ۶۰-۴۰ است. به‌نظر می‌رسد دلیل ظهور و دوام این قاعده در مزیت اقتصادی آن نهفته است که در مواردی نظیر امکان اتصال آسان‌تر واحدهای این نوع توده‌گذاری به یکدیگر، اتلاف انرژی کمتر، برنامه‌ریزی آسان‌تر مسیرهای دسترسی و امکان تغییر راحت‌تر ابعاد املاک از جمله این مزیت‌های اقتصادی است. (ناری‌قمی، ۱۳۹۵: ۲) پرواضح است که این مزیت اقتصادی، حتی اگر به قیمت از دست رفتن سایر کیفیات باشد، همان چیزی است که معیار اصلی برای سنجش هر پدیداری در نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری است. پس به‌لحاظ تاریخی، روند تکوین این قاعده باید در الگوی خانه‌های ردیفی و برون‌گرا جستجو شود که این نوع خانه‌سازی، مولود انقلاب صنعتی (به‌عنوان همزاد نظام لیبرال



سرمایه‌داری) بوده است؛ جایی که در انگلستان در فاصله سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۱۴، رشد سریع لندن به‌واسطه صنعتی شدن از شعاع ۵ به ۱۵ کیلومتر، گزینه خانه‌سازی ردیفی را به‌عنوان راه‌حل اقتصادی و مطلوب توسعه سریع، پیش رو نهاد. (پنرای<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۳۱) بعدها در مناطق دیگری از دنیای غرب (نظیر نیویورک و فرانکفورت و غیره) به‌دلیل سرعت اجرای بالاتر الگوهای ردیفی در مقایسه با سایر انواع توده‌گذاری، این نوع الگو بیشتر مورد استفاده قرار گرفت.

با توجه به تأثیرپذیری ایران از الگوهای معماری و شهرسازی معاصر غرب، این نوع توده‌گذاری چند دهه بعد وارد ایران گردید. برخی محققان نظیر بندرآباد، ریشه تاریخی توده‌گذاری برونگرا با قاعده ۶۰-۴۰ را به دوره رضاشاه نسبت می‌دهند و برخی دیگر آن را به پهلوی دوم و طرح جامع فرمانروائیان برای شهر تهران منتسب می‌نمایند؛ دشتی با اشاره به تیپولوژی و مورفولوژی خانه‌های ساخت انگلیسی‌ها در مسجد سلیمان در زمان رضاشاه، این نمونه‌ها را الگوی اصلی رویه توده‌گذاری رایج شهرهای ایران در دوره معاصر می‌داند. (ناری‌قمی، ۱۳۹۵: ۳)

به‌زعم پلانول، پروژه مسکونی ۴۰۰ دستگاه نازی‌آباد در تهران، اولین نمونه از ساخت خانه‌های ردیفی و برونگرا در شهر تهران است که توسط یک معمار ایرانی (علی صادق) طراحی شده است. (تصویر ۵) در این پروژه، دو نکته حائز توجه است: اولاً مسائل اقتصادی و هزینه طرح، از مهم‌ترین عوامل در فرایند طراحی این پروژه بوده است (خورسند، ۱۳۲۶: ۱۳۵) به‌نحوی که در تاریخ معاصر ایران، می‌توان این پروژه را اولین پروژه از نوع تهیه خانه‌های ارزان‌قیمت دانست که برای کارگران و اقشار مستضعف طراحی می‌شد (یعنی همان قشری که به‌دنبال ظهور نظام لیبرال سرمایه‌داری در اغلب شهرهای بزرگ جهان بر آمار آنها افزوده شد و مسئله تهیه مسکن آنها به معضلی برای دولت‌ها تبدیل شد) ثانیاً در این طرح، توده‌های ساختمان کاملاً به لبه قطعات تفکیک‌شده زمین چسبیده است و اراضی به دو دسته قطعات شمالی و جنوبی تقسیم گردیده است. (ازدردی، ۱۳۲۶: ۱۳۳) نتیجه بدیهی چنین طرحی، شکل‌گیری خانه‌های ردیفی و برونگرا است. نسبت توده و فضا در خانه‌های دو طبقه این کوی حائز اهمیت است: ۶۴ مترمربع برای سطح اشغال در مقابل ۸۰ مترمربع حیاط؛ یعنی ۴۵٪ توده در مقابل ۵۵٪ فضای باز که تقریباً نسبت معکوس قاعده فعلی موسوم به قاعده ۶۰-۴۰ است. (ناری‌قمی، ۱۳۹۵: ۷)



تصویر ۵: کوی ۴۰۰ دستگاه، اولین نمونه از خانه‌های ردیفی و ارزان قیمت در ایران (مجله آرشیوتکت، ۱۳۲۶: ۱۳۲)

۹۰



تصویر ۶: بخشی از تصویر هوایی تهران در سال ۱۳۳۵. به‌رغم آنکه ابنیه مسکونی در نیمه پایین تصویر، از الگوی درونگرا تبعیت کرده‌اند اما در نیمه بالای تصویر، ابنیه مسکونی تازه ساخت با توده‌گذاری برونگرا و ردیفی قابل مشاهده است که این امر نشان می‌دهد در این سال به تدریج الگوی برونگرا در ابنیه مسکونی شهر تهران در حال گسترش بوده است. (<http://sdi.tehran.ir>)

عکس هوایی سال ۱۳۳۵ تهران (تصویر ۶) نشان می‌دهد که در این سال و حدود یک‌دهه پس از طراحی پروژه فوق، ساخت خانه‌های برونگرای ردیفی با رویه استقرار توده در منتهی‌الیه شمالی زمین‌های طویل و کم‌بر به رویکردی نسبتاً رایج تبدیل شده

است. (ناری‌قمی، ۱۳۹۵: ۷) اما جالب آنکه طبق تصاویر هوایی موجود، در همین سال، این نوع الگو که در تقابل با الگوهای سنتی و درونگرا در ابنیه مسکونی شکل گرفته بود، در سایر شهرهای کشور و حتی شهری کاملاً مذهبی و سنتی همچون قم نیز در حال ظهور بوده است که این امر نشان می‌دهد ساخت و ساز در تهران، تا چه حد بر سایر شهرهای کشور تأثیرگذار بوده است. (تصویر ۷)



۹۱

تصویر ۷: بخشی از تصویر هوایی قم در سال ۱۳۳۵ (در محدوده خیابان امام خمینی و خیابان زینبیه)؛ در این تصویر ابنیه بین دو خیابان امام خمینی و زینبیه (نیمه راست تصویر) دارای الگوی درونگرا هستند اما ابنیه‌ای که تازه‌ساخت هستند و در محدوده غربی خیابان زینبیه قرار دارند (نیمه چپ تصویر) هم دارای قطعات تفکیکی کوچک‌تری هستند و هم دارای الگوی ردیفی و برونگرا هستند؛ این تصویر نشان می‌دهد در اواسط دهه ۳۰ الگوهای برونگرا و توده‌گذاری ردیفی به تدریج از شهر تهران به سایر شهرها و حتی شهری مذهبی همچون قم در حال گسترش بوده است. (آرشیو شخصی نگارنده)

پس از پروژه ۴۰۰ دستگانه نازی‌آباد، پروژه بعدی که می‌توان آن را مکمل حلقه شکل‌گیری الگوهای برونگرای ردیفی با قاعده ۶۰-۴۰ در معماری معاصر ایران دانست، پروژه خانه‌های ردیفی کوی فرح است که در این پروژه، رویه توده‌گذاری دقیقاً همان چیزی است که امروزه تحت قاعده ۶۰-۴۰ اجرا می‌شود. در عین حال، در زمان اجرای این طرح، هنوز قاعده ۶۰-۴۰ به‌عنوان یک قانون رسمی، ابلاغ نشده است. ردپای رسمی این قاعده را باید در طرح جامع تهران (طرح فرمانفرمائیان و گروئن در سال ۱۳۴۹) جستجو نمود. طبق این طرح، مناطق مسکونی تهران به سه گروه کلی

براساس توانایی مالی مالکان خانه‌ها شامل محلات با درآمد بالا، درآمد متوسط و درآمد پایین، دسته‌بندی شده است (ناری‌قمی، ۱۳۹۵: ۷) این دسته‌بندی و قطب‌بندی شهر به مناطق غنی و فقیر که در تقابل آشکار با سبک زندگی اسلامی قرار دارد، دقیقاً همان چیزی است که قبلاً به‌عنوان یکی از نتایج نظام لیبرال سرمایه‌داری به آن اشاره شد. (هاروی، ۲۰۰۷: ۱) در نقشه توضیحی این طرح، توده‌گذاری برون‌گرایی ردیفی - مشابه آنچه امروزه در قالب قاعده ۶۰-۴۰ مشاهده می‌شود - برای اقبال با درآمد متوسط و به‌ویژه پایین، ظهور بارزی دارد. به فاصله کوتاهی پس از طرح فرمانفرمائیان و گروئن، در قانون مصوب ۱۳۵۲ شهر تهران، رسماً محل استقرار بنا در هر زمینی (در شرایط متعارف) در شمال قطعه تعیین شده است. بدین ترتیب طبق این قانون، توده‌گذاری ردیفی و برون‌گرایی خانه‌ها رسماً با نسبت ۶۰-۴۰ به‌شکل امروزی به‌وجود می‌آید و توده‌های پر در شمال قطعات زمین جانمایی شده و فضای باز در قسمت جنوبی باقی می‌ماند که این قاعده از همان زمان تاکنون (به‌رغم برخی تغییرات جزئی) پابرجا مانده است.

اما به این نوع توده‌گذاری برون‌گرا و ردیفی، به‌رغم برخی مزایای اقتصادی (که قبلاً اشاره شد) نقدهای متعددی نظیر تضعیف حریم خصوصی ساکنین خانه، سایه‌اندازی خانه‌های پشتی بر حیاط خانه‌های جلو و محروم شدن آنها از نور آفتاب، محدودیت امکان رؤیت آسمان در معابر در اثر افزایش ارتفاع بدنه شمال معابر، تمایل صاحبان بنا برای خودنمایی بیش از حد به‌دلیل ردیف شدن نماها در کنار هم و غیره وارد است که همه این موارد در تقابل با الزامات سبک زندگی اسلامی می‌باشد. (تصویر ۸)



تصویر ۸: خانه‌های ردیفی و برون‌گرا (به‌عنوان یکی از پدیده‌های متأثر از لیبرال سرمایه‌داری) تناقضات متعددی با سبک زندگی اسلامی دارد که در مواردی همچون تضعیف حریم خصوصی به‌دلیل برون‌گرایی خانه، سایه‌اندازی خانه‌های پشتی بر جلویی، محدودیت رؤیت آسمان در اثر افزایش ارتفاع بدنه شمالی معابر و غیره بروز می‌یابد (ناری‌قمی، ۱۳۹۵: ۱۷)

باتوجه به مباحث و تحلیل‌های فوق، مشخص شد که مواردی همچون ظهور الگوی خانه‌های ردیفی و برون‌گرا و کوچک‌تر شدن قطعات تفکیک اراضی مسکونی به دلیل افزایش قیمت آن، روی آوردن به الگوی توسعه عمودی و مسکن آپارتمانی به دلیل افزایش قیمت زمین، از دست رفتن کیفیات فضایی خانه و بسنده کردن به کمیات در مسکن و غیره، همگی نشانه‌هایی از افول سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران هستند که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم، متأثر از نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری می‌باشند.

#### ۴.۴. تأثیرات لیبرال سرمایه‌داری بر معماری بازار و مراکز تجاری

از آنجایی که بازارها و مراکز تجاری، یکی از مهم‌ترین بسترهای تکوین مناسبات اقتصادی نظام لیبرال سرمایه‌داری هستند، لازم است پس از تحلیل تأثیرات لیبرال سرمایه‌داری بر کلیت ساختار شهر و مسکن، تأثیرات این نظام بر معماری بازارها و مراکز تجاری نیز مورد تدقیق قرار گیرد. ضمن آنکه تحلیل تحولات کالبدی بازارها و مراکز تجاری معاصر بدون توجه عمیق به اقتضائات و ویژگی‌های این نظام اقتصادی میسر نیست. در بخش چارچوب نظری اشاره شد که از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری، ترویج روزافزون مصرف‌گرایی است که این امر در تقابل آشکار با سبک زندگی اسلامی قرار دارد؛ تا جایی که برخی اندیشمندان غربی نظیر ماندل و گارودی و غیره، به مصرف‌گرایی افراطی در نظام لیبرال سرمایه‌داری - که نتیجه بروز اندیشه لیبرالیسم در عرصه اقتصاد است - انتقاد جدی دارند. (گارودی، ۱۳۷۴؛ ماندل، ۱۳۵۹: ۲۲۳) در ادامه، تبیین خواهد شد که بازارها و مراکز تجاری معاصر (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای کالبدی نظام لیبرال سرمایه‌داری)، به‌طرز کاملاً محسوسی همسو با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی در نظام لیبرال سرمایه‌داری شکل گرفته‌اند که به برخی از مصادیق این همسویی اشاره می‌شود. از مهم‌ترین این مصادیق، ظهور پدیداری به‌نام «ویتترین» در بازارهای معاصر است که تأثیر قابل توجهی بر ترغیب مشتری به خرید بیشتر دارد. تا جایی که اندازه هر چه بیشتر ویتترین مغازه بر قیمت و ارزش آن کاملاً مؤثر است و مغازه فاقد ویتترین و یا با ویتترین و بر کوچک، به‌لحاظ ارزش اقتصادی به میزان قابل توجهی پایین‌تر از مغازه‌ای با همان مترآژ ولی با بر و ویتترین بزرگ‌تر است. اهمیت این پدیدار در جلب مشتری و رواج فرهنگ مصرف‌گرایی به‌حدی است که نورپردازی ویتترین و نحوه تأکید بر کالاهای مستقر در آن از طریق نور، به حرفه‌ای کاملاً درآمدزا تبدیل شده است و مالکان مغازه

حاضرند مبلغ قابل توجهی را بپردازند تا نورپردازی ویتترین آنها به جلب مشتری هر چه بیشتر کمک نماید؛ مشتری‌ای که برخلاف مشتری بازارهای سنتی، از روی نیاز واقعی و ضروری خرید نمی‌نماید بلکه از روی ترغیب کاذب وی از طریق ویتترین و نورپردازی جلوه‌گرانه آن به خرید هرچه بیشتر اقدام می‌نماید. (رئیس، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۱۰)

طبق برخی روایات، ترغیب مشتری به خرید کالا از طریق جلوه‌های کاذب تبلیغاتی (که عملکرد برخی از ویتترین‌ها از مصادیق بارز آن است) را می‌توان نوعی غش در معامله دانست؛ در این خصوص می‌توان به روایت نقل شده از هشام بن حکم استناد نمود: «مشغول فروختن جامه‌های نازک در سایه بودم که امام کاظم<sup>(ع)</sup> به من رسید و فرمود ای هشام، فروختن در سایه غش است و غش قطعاً حلال نیست.»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۶۱-۱۶۰) به نظر می‌رسد که دلیل منع معامله مذکور توسط امام در این نکته نهفته است که جامه نازک در سایه به خوبی قابل ارزیابی نیست و لازمه آگاهی از میزان نازکی آن، مشاهده آن در آفتاب است. بر این اساس چنین استنتاج می‌شود که در سبک زندگی اسلامی، اگر نور یا سایه یا هر نوع عامل دیگر، سبب تصور اشتباه مشتری از کیفیت کالا شود، آن معامله از مصادیق غش در معامله است و بدیهی است که ویتترین برخی از مغازه‌ها، با استفاده از تکنیک‌های القاء نور و سایه، همین کار را انجام می‌دهد که نتیجه آن، ترغیب بیشتر مشتری به خرید کالا و بالتبع، ترویج مصرف‌گرایی است.

یکی دیگر از مصادیق ترویج مصرف‌گرایی، اختلاط هر چه بیشتر مغازه‌های با کاربری‌های متفاوت در یکدیگر است که طبق اسناد روایی، سیره و سنت معصومین<sup>(ع)</sup> در زمانی که زمام حکومت را در دست داشتند بر خلاف آن بوده است. این مطلب را به وضوح از روایات مربوط به نظارت امام علی<sup>(ع)</sup> بر بازار کوفه می‌توان دریافت. امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرماید که امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> هر صبح در بازارهای کوفه بازار به بازار می‌گشتند<sup>۲</sup> (الطوسی، ۱۴۰۷ق، جلد ۷: ۷) که این امر، ناظر بر وجود بازارهای تخصصی در زمان حکومت ایشان همانند بازار قصابان، بازار خرمافروشان، بازار ماهی‌فروشان و غیره است. (الشیخلی، ۱۹۷۶: ۷۳) در بازارهای سنتی نیز، توزیع فضایی و عملکردی بازار به نحوی بود که هر راسته از بازار به جنس و کالای مشخصی اختصاص می‌یافت. تا جایی که راسته‌ها را با نام کالایی

۱ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ كُنْتُ أُبِيعُ السَّابِرِي فِي الظَّلَالِ فَمَرَّ بِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع فَقَالَ لِي يَا هِشَامُ إِنَّ الْبَيْعَ فِي الظِّلِّ غَشٌّ وَإِنَّ الْعَشَّ لَا يَحِلُّ  
 ۲ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع عِنْدَكُمْ بِالْكُوفَةِ يَغْتَدِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سَوْقًا سَوْقًا.

می‌شناختند که در آنها عرضه می‌شد (مانند راسته بزازه‌ها، راسته مسگرها و غیره) روشن است که در چنین حالتی، هر مشتری، به راسته‌ای مراجعه می‌کرد که محل رفع نیاز واقعی وی بود. در نتیجه، چون مشتری در هنگام مراجعه به بازار، با سایر کالاهایی که قصد خرید آنها را نداشت مواجه نمی‌شد، غیر از آنچه که به قصد خریدش به بازار گام نهاده بود، کالای دیگری به وی عرضه نمی‌شد و بالتبع، به خرید کالای دیگری ترغیب نمی‌شد. اما امروزه در بسیاری از بازارها، تفکیک عملکردی میان مغازه‌ها انجام نمی‌شود (گرچه استثنائاتی نیز در این خصوص وجود دارد) و مشتری که به قصد خرید یک کالای مشخص به یک مرکز تجاری وارد می‌شود، با انواعی از کالاهای متنوع دیگر نیز مواجه می‌شود که از قبل، قصد خرید هیچ‌یک از آنها را نداشته است. اما به دلیل نوع توزیع فضایی بازار و نوع عرضه کالاهای متفاوتی که در طول مسیر به مشتری ارائه می‌شود، وی به خرید سایر کالاهایی که نیاز حقیقی وی نیست نیز تحریک می‌شود و در نتیجه با انبوهی از خریدهای غیر ضروری که قصد خرید هیچ یک از آنها را نداشته است از بازار بیرون می‌آید.

این نوع از عرضه کالا که لازمه ترویج هرچه بیشتر مصرف‌گرایی است، اقتضات کالبدی و فضایی خاصی دارد که در بازارهای سنتی وجود نداشت. توضیح آنکه لازمه ترویج هرچه بیشتر مصرف‌گرایی، تحریک مشتری به خرید بیشتر کالا است و این تحریک، زمانی محقق می‌شود که کالاهای بیشتری در دامنه دید وی قرار گیرد که این امر نیز منوط به گسترده‌تر کردن دامنه دید وی با تدابیر مختلف طراحی است. لازمه چنین امری، شفافیت فضایی هرچه بیشتر فضای داخلی مراکز تجاری و محورهای دید کاملاً باز و گسترده است که از طریق کاربست مواردی همچون ویدهای گسترده، کریدورهای بصری کاملاً شفاف و اجتناب از زوایای کور محقق می‌شود. زیرا استفاده از مواردی همچون ویدهای گسترده و کریدورهای بصری شفاف که از طریق نماهای کاملاً شفاف و شیشه‌ای محقق می‌شود سبب می‌گردد که کالاهای بیشتری در دامنه دید مشتری قرار گیرد و لذا به خرید هرچه بیشتر آنها ترغیب شود. (رئیس، ۱۳۹۵: ۱۱۲) این موارد در بسیاری از مراکز تجاری و بازارهای معاصر ملاحظه می‌شود؛ بدیهی است که تحلیل‌های یک‌بعدی از دلایل بروز این موارد، نوعی فروگاهی مسئله است و نمی‌توان پدیدارهایی نظیر ویتترین و ویدهای گسترده در بازارهای معاصر را صرفاً ناشی از ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی در نظام لیبرال سرمایه‌داری دانست و نقش سایر عوامل مانند مسائل زیبایی‌شناسی و تکنولوژی و

غیره را در بروز آنها نادیده گرفت؛ در عین حال، تطبیق و همسویی این موارد با فرهنگ مصرف‌گرایی در نظام لیبرال سرمایه‌داری نیز مشهود و قابل تأمل است. (تصاویر ۹ و ۱۰)



۹۶

تصویر ۹: تهران، مرکز خرید کورش، نمونه‌ای از ایده‌های گسترده و کریدورهای بصری کاملاً شفاف که امکان دید حداکثری به مغازه‌های واقع در طبقات مختلف را فراهم می‌نماید. (<http://itiss.ir>)



تصویر ۱۰: تهران، مرکز خرید کورش، در این تصویر، تعریف فضاهای پاتوق‌گونه در بازار که تأثیر بسزایی بر افزایش بازارگردی و بالتبع مصرف‌گرایی دارد مشهود است. (<http://itiss.ir>)

موضوع مهم دیگری که در همین راستا می‌توان به آن اشاره نمود عرضه کالاها در معابر شهری و مسیر رفت و آمد روزمره شهروندان است. طراحی و مکان‌یابی بازارهای سنتی به‌نحوی انجام می‌شد که غالباً، فقط افرادی به بازار مراجعه می‌کردند و وارد آن



می‌شدند که مقصد آنها همان بازار بود و برای مثال، افراد برای رسیدن به منزل خود یا مسجد محله یا سایر مقاصد مجبور نبودند از درون بازار عبور کنند که طبق برخی روایات، این امر از الزامات سبک زندگی اسلامی است. امام صادق علیه‌السلام، ضمن مذمت عبور بدون ضرورت از بازار می‌فرمایند که بسیار در بازار نگرد. <sup>۱</sup> (کافی، جلد ۵: ۹۱) اما اکنون، لازمه رسیدن به بسیاری از مقاصد، عبور از میان معابری است که بدنه‌های آنها با انبوهی از کالاهای مغازه‌های مختلف، احاطه شده است.

روشن است که این نوع توزیع کاربری‌های تجاری در معابر شهری منجر به تحریک هرچه بیشتر شهروندان به خرید کالاهایی می‌شود که نیاز واقعی آنها نیست. در حالی که در شهر سنتی، اصولاً چیزی به نام معبر تجاری وجود نداشته است و عرضه کالاها صرفاً به صورت متمرکز در مغازه‌های محلی یا بازارهای منطقه‌ای انجام می‌شده است که این بازارها نیز به فاصله مشخصی از منازل و بافت‌های مسکونی قرار داشته‌اند. لذا بروز پدیداری به نام خیابان تجاری (که امروزه بر بسیاری از معابر شهری صدق می‌کند)، همسو با اقتضات نظام لیبرال سرمایه‌داری است که در راستای ترویج هرچه بیشتر مصرف‌گرایی و کشاندن حوزه خرید به متن آمد و شد و زندگی روزمره شهروندان می‌باشد. حال آنکه در شهر سنتی، حوزه خرید در متن آمد و شد معمول شهروندان قرار نداشت و برای مثال، شهروند در مسیر دسترسی به منزل خود، مجبور به عبور از میان بازار شهر نبوده است. (رئیس، ۱۳۹۵: ۱۱۲) در آموزه‌های اسلامی نیز شواهدی در تأیید این نوع طراحی بازار مشاهده می‌شود؛ طبق اسناد تاریخی، پیامبر اکرم (ص) بازار مدینه را با فاصله مشخصی از بافت مسکونی شهر، تعیین مکان نمودند و آن را به نحوی مکان‌یابی کردند که در مسیر رفت و آمد معمول شهروندان قرار نداشت و صرفاً کسانی با آن مواجه می‌شدند که قصد مراجعه به همان مکان را داشتند. (عاملی، ۱۳۹۱: ۱۰۱) با توجه به مباحث ارائه‌شده، چنین استنتاج می‌شود که مواردی نظیر معابر تجاری، بازارهای با کاربری‌های مختلط، ویتترین و ویدهای گسترده و غیره، همگی همسو با ترویج هرچه بیشتر فرهنگ مصرف‌گرایی در نظام لیبرال سرمایه‌داری و در راستای افول سبک زندگی اسلامی می‌باشند.

## ۵. نتیجه‌گیری

طبق مباحث و تحلیل‌های ارائه‌شده مشخص شد که نظام اقتصادی حاکم بر ایران در

سده‌های اخیر (بعد از قاجار تاکنون) متأثر از نظام لیبرال سرمایه‌داری بوده است، اما نه متأثر از نسخه اصلی این نظام، بلکه نسخه‌ای التقاطی از این نظام که این التقاط سبب شده است آثار سوء آن در اقتصاد معاصر ایران دوچندان شود و در عین حال، به دلیل التقاطی بودن و عدم تطبیق با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران، نتواند کارایی لازم را برای حل مسائل بومی ایران داشته باشد.

بورس‌بازی زمین و فعالیت‌های سوداگرانه در مستغلات و زمین را باید از مهم‌ترین نتایج نسخه وارداتی لیبرال سرمایه‌داری در ایران دانست که این سوداگری، آثار سوئی بر افول سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران داشته است؛ آثاری از قبیل قطب‌بندی شهر به مناطق برخوردار و غیر برخوردار، بروز معضل حاشیه‌نشینی، افزایش ناامنی و نرخ جرم در مناطق شهری به دلیل افزایش اختلاف طبقاتی، افزایش شدید قیمت زمین و ملک و بالتبع کوچک شدن قطعات تفکیک زمین، عدم امکان اجرای بسیاری از اصول معماری اسلامی ایرانی نظیر درونگرایی و جداکردن اندرونی از بیرونی و غیره به دلیل کوچک شدن قطعات اراضی مسکونی، ترویج مصرف‌گرایی و بالتبع ظهور تغییرات کالبدی گسترده در بازارها و مراکز تجاری معاصر و بسیاری از مسائل دیگر. (جدول ۱)

جدول ۱: مبنای اصلی و برخی تأثیرات حاصل از نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری بر افول سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران (مأخذ: نگارنده)

مبنای اصلی لیبرال سرمایه‌داری	برخی از آثار محتوایی مبنا	برخی از آثار کالبدی مبنا بر افول سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران
	تشدید اختلاف طبقاتی	ظهور پدیده حاشیه‌نشینی و بروز قطب‌بندی در شهر
اصالت کسب سود بیشتر با هر روش ممکن و امکان انباشت نامحدود سرمایه توسط افراد	جایگزینی کمیت به جای کیفیت	حذف عناصر کیفی (نظیر حیاط و حوض و غیره) در مسکن معاصر ایرانی، تبدیل میادین و اجزای شهری به عناصری صرفاً کمیت‌محور
	تشدید دلالی و بورس‌بازی زمین	کوچک شدن قطعات تفکیک اراضی مسکونی و بالتبع عدم امکان اجرای بسیاری از اصول معماری اسلامی ایرانی نظیر درونگرایی و تفکیک اندرونی و بیرونی، گسترش روزافزون مسکن آپارتمانی
	ترویج مصرف‌گرایی	بازارهای با کاربری‌های مختلط، ظهور ویتترین و ویدهای گسترده و غیره در مراکز تجاری

باتوجه به مباحث ارائه‌شده مشخص شد بخش عمده‌ای از دلایل افول سبک زندگی

اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران، ریشه در معضلات اقتصادی حاصل از نظام لیبرال سرمایه‌داری و به تعبیر دقیق‌تر، ریشه در نسخه التقاطی این نظام در ایران دارد که طی سده اخیر، نبض جریانات اقتصادی کشور را در دست گرفته است. بر این اساس، به نظر می‌رسد چاره بخش مهمی از مسائل معماری و شهرسازی معاصر و لازمه احیاء سبک زندگی اسلامی در نظام کالبدی معاصر ایران را باید در دانش اقتصاد جستجو نمود و نه خود دانش‌های معماری و شهرسازی. زیرا، تحقق بسیاری از الزامات سبک زندگی اسلامی در معماری و شهرسازی، همچون مظلوفی است که ظرف متناسب با خود را می‌طلبد؛ برای مثال، اصولی نظیر درون‌گرایی و حفظ حریم ریزفضاهای خصوصی در ابنیه مسکونی، اصالت دادن به توسعه افقی در برابر توسعه عمودی و غیره، همگی از الزامات سبک زندگی اسلامی هستند که در ظرف نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری که در آن، انباشت سرمایه و کسب سود بیشتر با هر روشی، هدف اصلی و غایی محسوب می‌شود، نمی‌گنجند. زیرا در چنین نظامی و با چنین هدف غایی، زمین به مجرای برای کسب سود نامشروع و فعالیت‌های سوداگرانه تبدیل می‌شود و لذا بدیهی است که در چنین شرایطی قطب‌بندی‌های شهری و اختلاف طبقاتی در مناطق شهری بروز می‌یابد و متوسط متراژ ابنیه مسکونی که تا قبل از این، چند صد متر بوده است در برخی مناطق شهری به حدود صد متر و حتی کمتر تقلیل می‌یابد. بالتبع در چنین شرایطی، بسیاری از اصول سبک زندگی اسلامی نظیر حریم و درون‌گرایی و توسعه افقی و غیره که اجرای آنها نیازمند وجود اراضی با متراژهای متناسب با این اصول است، امکان تحقق نمی‌یابند. در مقام مثال می‌توان چنین گفت که تلاش برای اجرای این اصول در بستر نظام لیبرال سرمایه‌داری و سودانگاران، همچون تلاش برای جا دادن مایعی مثلاً ده لیتری در ظرفی دو لیتری است و بدیهی است که چنین تلاشی، نتیجه‌ای نافرجام خواهد داشت. لذا یافتن چاره بخش قابل توجهی از مسائل نظام معماری و شهرسازی معاصر ایران و احیاء سبک زندگی اسلامی در این نظام کالبدی، پیش و بیش از آنکه نیازمند تجدیدنظر در سیاست‌های کالبدی و نظامات شهرسازی کشور باشد، نیازمند بازنگری عمیق و جدی در نظامات کلان اقتصادی کشور است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اژدری، عباس. (۱۳۲۵). مسئله تهیه مسکن در تهران و شهرستان‌ها. *مجله آرشیوتکت*. شماره ۲.
۳. اژدری، عباس. (۱۳۲۶). ساخت خانه‌های ارزان در ایران. *مجله آرشیوتکت*. شماره ۴.
۴. الشیخلی، صباح ابراهیم سعید. (۱۹۷۶). *الاصناف فی العصر العباسی نشئت‌ها و تطورها*. بغداد: وزارت الأعلام.
۵. الطوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۷ هـ.ق). *تهذیب الاحکام*. جلد ۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *مجله عیار پژوهش در علوم انسانی*. شماره ۶.
۷. امانپور، سعید و مهیار سجادیان. (۱۳۹۶). لیبرالیسم و شهر، کنکاشی بر نسبت لیبرالیسم و برنامه‌ریزی شهری. *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*. شماره ۳۲.
۸. ایمانی شاملو، جواد و مجتبی رفیعان. (۱۳۹۵). قدرت و بازتعریف نظریه برنامه‌ریزی شهری (با تأکید بر دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا). *فصلنامه راهبرد*. شماره ۸۰.
۹. بحرینی، سیدحسین. (۱۳۷۸). *تجدد فراجدد و پس از آن در شهرسازی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. برقی، احمدبن محمد. (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دارالکتب الإسلامیه.
۱۱. بهشتی، سیدمحمد. (۱۳۹۵). خانه (از آغاز پهلوی اول تا دهه چهل شمسی). *مجله مطالعات معماری ایران*. شماره ۱۰.
۱۲. تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۶۴.
۱۳. جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *انتظار بشر از دین*. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۴. جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). ویژگی نظام اسلامی. *مجله پاسدار اسلام*. شماره ۲۸۴.
۱۵. حاتمی‌نژاد، حسین و امین فرجی‌ملائی. (۱۳۹۲). نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر فضای شهری (مطالعه موردی: شهرهای انگلستان). *مجله سپهر*. شماره ۸۵.
۱۶. خورسند، منوچهر. (۱۳۲۶). خانه‌های ارزان کوی ۴۰۰ خانه. *مجله آرشیوتکت*. شماره ۴.
۱۷. داداش‌پور، هاشم؛ بهرام علیزاده و فرامرز رستمی. (۱۳۹۴). تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام. *مجله نقش جهان*. دوره ۵. شماره ۱.
۱۸. رئیس، محمدمنان. (۱۳۹۵). تحلیلی میان رشته‌ای از تحولات کالبدی فضایی بازارها و مراکز تجاری معاصر ایران با تأکید بر متون دینی. *مجله مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*. دوره هشتم. شماره ۲.

۱۹. رئیس‌ی، محمدمنان و اسماعیل رئیس‌ی. (۱۳۹۴). جستاری در سنجش توسعه یافتگی نواحی شهر شیراز. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*. شماره ۲۱.
۲۰. رئیس‌ی، محمدمنان. (۱۳۹۷). معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی (از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود). قم: انتشارات دانشگاه قم.
۲۱. سیدرضی، محمدبن حسین. (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. قم: انتشارات هجرت.
۲۲. شکویی، حسین. (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. جلد اول. تهران: انتشارات سمت.
۲۳. شکویی، حسین. (۱۳۸۲). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. جلد دوم. تهران: گیتاشناسی.
۲۴. عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۹۱). *شهر اسلامی*. مشهد: انتشارات بوی شهر بهشت.
۲۵. کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۹). *الکافی*. جلد ۵. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۷. گارودی، روزه. (۱۳۷۴). *گورکن‌ها یک هشدار نوین به زندگان (نقد نظم نوین جهانی)*. علی‌اکبر کسمائی. تهران: اطلاعات.
۲۸. مهدوی‌کنی، محمدسعید. (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*. سال اول. شماره ۱.
۲۹. ماندل، ارنست. (۱۳۵۹). *علم اقتصاد*. هوشنگ وزیری. تهران: انتشارات خوارزمی.
۳۰. ناری‌قمی، مسعود. (۱۳۹۵). پیدایش الگوی عام توده‌گذاری یک‌طرفه در مسکن شهری ایرانی (تحلیلی بر تحول تغییر نسبت توده و فضا در مسکن معاصر ایران). پژوهش منتشر نشده.
۳۱. واعظی، احمد. (۱۳۸۴). *جان راولز از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی*. قم: بوستان کتاب.
32. Harvey, D. (2007). Neoliberalism and the City. *Studies in Social Justice*. Vol. 1. No. 1.
33. Panerai, P. & J. C. Depaule. (2004). [Formes Urbaines. English] *Urban Forms: the Death and Life of the Urban Block. English Edition and Additional Material: Ivor Samuels*. Oxford: Architectural Press.
34. Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*. Cambridge: Massachusetts.
35. Rodrik, D. (2002). *After Neoliberalism, What?*. May. 23-24.
36. Rosengren K. E. (1981). Advances in Scandinavia Content Analysis: An Introduction. In *Advances in Content Analysis*. Beverly Hills. CA: Sage.
37. Thurow, L. (1996). *The Future of Capitalism: How Today's Economic Forces will Shape Tomorrow's World*. London: Nicholas Brealey.
38. <http://itiss.ir>
39. <http://sdi.tehran.ir>
40. <https://www.arel.ir>
41. <http://www.iichs.ir>